

# Applied Paradigms in Art Research (Epistemology, Ontology, Methodology)

Tahmineh Javedsokhan<sup>1</sup>, Abolfazl Davodiroknabadi<sup>2</sup>, Zahra Arab<sup>3</sup>

<sup>1</sup> Ph.D. Candidate, Department of Art Research, Kish Azad University, Kish, Iran. (Corresponding Author)

<sup>2</sup> Professor, Department of Design and Clothing, Yazd Branch Islamic Azad University, Yazd, Iran.

<sup>3</sup> Ph.D. Candidate, Department of Art Research, Kish Azad University, Kish, Iran.

(Received: 02.04.2022, Revised: 01.07.2022, Accepted: 04.07.2022)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.26739.1143>

## Abstract:

The paradigm is used in philosophical and conceptual assumptions to accurately identify research positions, which define a set of researchers' worldviews and beliefs and is consistent with meanings such as cultural thought patterns and framework. The importance of the paradigm in research is like a logical pillar that contains the research framework and supports the intellectual dimensions and design of the researcher's research to the end of the road. This research will analyze the main pillars of the paradigm in four dimensions: epistemology, ontology, methodology, and originality, while similar studies use the three dimensions of the paradigm pillars. They do, while similar studies use the three dimensions of the pillars of the paradigm, also in the subset of the main positions to the types of paradigms, which are: positivism, post-positivism, critical, and interpretive. Feminism, Postmodern Chaos Theory, Pragmatism. This paper tries to introduce the paradigms in various qualitative and quantitative research, to generalize the term paradigm in the field of art, and also to explain the paradigms that are most used in the field of art and have the best results. This research is qualitative research in which the research work is applied-theoretical and its research method is thematic analysis. Also, data collection has been done by documentary method. The results of this research are the birth of a new paradigm about art and also the introduction of a short and practical model in various research.

**Keywords:** Thematic Analysis, Theology, Methodology, Epistemology, Ontology, Art

---

<sup>1</sup> Email: [tjavedsokhan1@gmail.com](mailto:tjavedsokhan1@gmail.com)

<sup>2</sup> Email: [davodi@iauyazd.ac.ir](mailto:davodi@iauyazd.ac.ir)

<sup>3</sup> [Z\\_arab15509@yahoo.com](mailto:Z_arab15509@yahoo.com)

How to cite: Javedsokhan, T., Davodiroknabadi, A., Arab, Z. (2022). 'Applied paradigms in art research (epistemology, ontology, methodology)', *Journal of Applied Arts*, 2(3), 20-34. doi: 10.22075/aaj.2023.26739.1143.

# پارادایم‌های کاربردی در پژوهش هنر (اپیستمولوژی، آنتولوژی، متدولوژی)

تهمینه جاودسخن<sup>۱</sup>، ابوالفضل داودی رکن‌آبادی<sup>۲</sup>، زهرا عرب<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه پژوهش هنر، دانشگاه آزاد بین‌المللی کیش، کیش، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استاد، گروه طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران.

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری، گروه پژوهش هنر، دانشگاه آزاد بین‌المللی کیش، کیش، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳)

<https://doi.org/10.22075/AAJ.2023.26739.1143>

مقاله علمی-پژوهشی

## چکیده

پارادایم، در مفروضات فلسفی و مفهومی به‌منظور شناخت دقیق از مواضع تحقیق کاربرد دارد که مجموعه‌ای از جهان‌بینی و باورهای محقق را تعریف می‌کند و نیز با معانی‌ای همچون الگو و چارچوب فکری فرهنگی همسان است. پارادایم در تحقیق، همانند ستون منطقی است که چارچوب پژوهش را در بر دارد و حامی ابعاد فکری و طراحی تحقیق پژوهشگر تا انتهای مسیر است. اهمیت پارادایم در تحقیق به اندازه‌ای است که در تمام مراحل پژوهش که با طرح عنوان و سپس طرح تحقیقاتی شروع می‌شود، تا انتهای مسیر تحقیق، پژوهشگر را همراهی می‌کند؛ به طوری که اگر پژوهشی پارادایم و طرح و الگوی تحقیقاتی ضعیف یا ناکارآمدی داشته باشد، به گسست حلقه‌های زنجیروار عناصر تحقیق منجر می‌شود. این پژوهش، تلاش دارد تا ارکان اصلی پارادایم را در چهار بُعد معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی و اصل‌شناسی به عنوان **مساله** پژوهش تحلیل نماید. پژوهش‌های مشابه از سه بُعد ارکان پارادایم استفاده کرده و بُعد اصل‌شناسی را مورد بررسی قرار نداده‌اند. همچنین در زیرمجموعه مواضع اصلی، به انواع پارادایم که عبارت‌اند از: اثبات‌گرا، پسااثبات‌گرا، انتقادی، تفسیری، فمینیسم، پست‌مدرن، تئوری آشوب و پراگماتیسم نیز پرداخته خواهد شد. **هدف** پژوهش آن است که ضمن معرفی پارادایم‌های موجود در انواع تحقیقات کیفی و کمی، واژه پارادایم را در حوزه هنر نیز تعمیم دهد. همچنین پارادایم‌هایی که در حوزه هنر، دارای بیشترین کاربرد و بهترین نتیجه هستند را تبیین کند. **فرضیه** اصلی این تحقیق آن است که پارادایم‌های فلسفی، کاربردی‌ترین الگو برای تحقیقات در حوزه هنر است. این تحقیق، پژوهشی کیفی است که کار تحقیقاتی در آن کاربردی-نظری و روش تحقیق آن تماتیک است. جمع‌آوری داده‌ها به روش اسنادی انجام شده است. **نتایج** حاصل از این پژوهش، تولد پارادایمی نو در باب هنر و نیز معرفی مسیری کوتاه و کاربردی در انواع تحقیقات است.

**واژه‌های کلیدی:** اصل‌شناسی، تحلیل تماتیک، روش‌شناسی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، هنر.

<sup>1</sup> Email: t.javidsokhan1@gmail.com

<sup>2</sup> Email: davodi@iauyazd.ac.ir

<sup>3</sup> Email: Z\_arab15509@yahoo.com

## مقدمه

پارادایم<sup>۱</sup> برای اشاره به مفروضات فلسفی یا مفهومی استفاده می‌شود که مجموعه‌ای اساسی از باورها و جهان‌بینی محقق را تعریف می‌کند. پارادایم، مفهومی است که از طریق آن، محقق به بررسی می‌پردازد و برای تعیین روش تحقیق، مورد استفاده قرار می‌دهد. همچنین در نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار می‌رود. واژه پارادایم با معانی‌ای همچون الگو و مدل، تفسیر و چارچوب فکری فرهنگی شناخته شده است. «این واژه در زبان یونانی، علت‌شناسی نام دارد و به معنی الگو است» (Kivunja & Kuyini, 2017:26-41). این جستار در تلاش است واژه پارادایم را در باب هنر تعمیم دهد. هنر، عنصری است جدایی‌ناپذیر از وجود انسان که در مسیر اعتلای وجود آدمی گام می‌نهد. انعکاسی است در تخیل و تصور هنرمند که با نیروی دانایی، منتج به آفرینش زیبایی می‌شود. هنر، گزارش و ترجمه‌ای از روح هنرمند و دعوتی به سوی سعادت است. در واقع، لذت و شوری است که عینیت یافته و نوعی شهود خدا در ظهور جمال است؛ بنابراین پارادایمی که در حوزه هنر استفاده می‌شود، علاوه بر پارادایم‌های متعارف در سایر روش‌های تحقیق کیفی و کمی، باید جنبه هنری، روحی‌روانی و متافیزیک را نیز تحت سیطره خود داشته باشد.

اهمیت پارادایم در تحقیق به اندازه‌ای است که در تمام مراحل پژوهش که با طرح عنوان و سپس طرح تحقیقاتی شروع می‌شود، تا انتهای مسیر تحقیق، پژوهشگر را همراهی می‌کند؛ به طوری که اگر پژوهشی پارادایم و طرح و الگوی تحقیقاتی ضعیف یا ناکارآمدی داشته باشد، به گسست حلقه‌های زنجیروار عناصر تحقیق منجر می‌شود. «پارادایم تحقیق نه تنها گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها را هدایت

می‌کند، بلکه به انتخاب روش‌های نظریه‌پردازی نیز کمک می‌کند» (Kumar, 2018:1-20). بنابراین انتخاب روش‌شناختی توسط پارادایم تحقیق تعیین می‌شود.

این مقاله تلاش دارد پارادایم‌های موجود در انواع تحقیقات را معرفی و بررسی و تحلیل کند. در مرحله بعد، پارادایم‌هایی با کاربرد بیشتر را معرفی کند. سپس پارادایم‌هایی که در حوزه هنر دارای بیشترین کاربرد و بهترین نتیجه هستند را به تفصیل معرفی کند و در انتهای بحث، با توجه به تحقیقات و نتایج حاصل از آن، تبیین الگویی کوتاه، آسان و کاربردی را که از مهم‌ترین اهداف این تحقیق است، بیان کند. مهم‌ترین پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از: چگونه می‌توان در پژوهش هنر، دست به تعمیم زد؟ و نقش پارادایم در شناخت فلسفی هنر چیست؟

## پیشینه پژوهش

توماس کوهن<sup>۲</sup>، فیلسوف آمریکایی، در سال ۱۹۶۲ برای اولین بار از کلمه پارادایم به معنی طرز تفکر فلسفی استفاده کرد. Katy Deepwell در سال ۲۰۲۰ مقاله‌ای با عنوان «نقد هنری و نقد هنر فمینیستی» به نگارش درآورد. وی در این مقاله فقط به یکی از وجوه ارکان پارادایم پرداخته است. M. Al-Ababneh در سال ۲۰۲۰ مقاله خود را با عنوان «پیوند هستی‌شناسی<sup>۳</sup>، معرفت‌شناسی<sup>۴</sup> و روش-شناسی<sup>۵</sup>» در نشریه College for Toursim and Petra Archaeology به چاپ رساند که در آن، سه رکن را مورد واکاوی قرار داده است. Moon Katie در سال ۲۰۲۱ در تحقیقی با عنوان «پنج سؤال برای درک معرفت‌شناسی»، فقط به بُعد اپیستمولوژی پرداخته است. حسن دانایی‌فرد (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با

در این پژوهش، کار تحقیقاتی، نظری-کاربردی است. نظری است؛ چون داده‌های اولیه این پژوهش به روش اسنادی و ترجمه منابع انگلیسی (ویژه همین تحقیق) جمع‌آوری شده است و کاربردی است؛ زیرا با هدف توسعه دانش کاربردی در باب پارادایم است و برای حل مشکل طراحی تحقیق در عرصه هنر انجام می‌گیرد تا به‌واسطه این تحقیق، شیوه‌ای جدید در زمینه تحقیقات هنری پدید آورد که در جامعه پژوهشگران حوزه هنر کاربرد دارد.

### ارکان پارادایم

«ساختار کلی پارادایم‌ها از مفروضه‌های بنیادین فلسفی تشکیل شده و در چنین ساختاری می‌توان از نظریه‌های علمی خرد و کلان سخن گفت که بر اساس آن‌ها مدل‌هایی برای توصیف و تبیین پدیده‌های جهان تولید می‌شود» (محمدی چابکی، ۱۳۹۲: ۶۱-۸۹). برای واکاوی معانی تعبیه‌شده در داده‌ها، از سازه‌های انسانی که نشان‌دهنده اصول اولیه و نتایج نهایی است، استفاده می‌کنیم. این سازه‌های انسانی یا همان پارادایم‌ها از چهار بُعد اصلی تشکیل شده است. ارکان اصلی آن‌ها اعتقادات و دستورهای مختلفی را برای رشته‌های متفاوت ارائه می‌کنند. ارکان اصلی پارادایم‌ها در اغلب منابع شامل سه رکن معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی است؛ ولی «از نظر لینکلن و گوبا<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) یک پارادایم شامل چهار عنصر است: ۱. معرفت‌شناسی؛ ۲. هستی‌شناسی؛ ۳. روش‌شناسی؛ ۴. اصل‌شناسی<sup>۳</sup>» (Kivunja & Kuyini, 2017:26-41). هریک از این چهار رکن اصلی شامل الگوهای خاص برای حمایت از تحقیقات پژوهشگر است که در این جستار هر چهار رکن مورد تحلیل و واکاوی قرار خواهد گرفت. «هرگاه

عنوان «پارادایم‌های رقیب در علم سازمان و مدیریت»، درباره ابعاد پارادایم سخن گفته و به ارکان آن پرداخته است. همچنین کار او مربوط به تحقیقات هنری نیست.

یکی از وجوه تمایز این پژوهش آن است که پارادایم‌های تحقیق را از چهار بُعد (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، روش‌شناسی و اصل‌شناسی) بررسی کرده است؛ درحالی‌که در سایر پژوهش‌ها فقط به سه بُعد پارادایم توجه شده و اصل‌شناسی مورد بررسی قرار نگرفته است. یکی دیگر از وجوه تمایز این تحقیق آن است که پارادایم‌های کاربردی در باب هنر، واکاوی شده است.

### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، تماتیک و از نوع کیفی است. علت انتخاب تحلیل تماتیک آن است که روش تحقیق تحلیل تماتیک، قادر به طراحی الگوست و هدف اصلی این تحقیق نیز تبیین الگویی خاص برای تحقیقات در حوزه هنر است. تم اصلی مدّ نظر این پژوهش، پارادایم هنری است که ماهیت تفسیری دارد و از لحاظ زمان شناخت، در ابتدای تحقیق معرفی و شناسایی شده است. نقش تحلیلی تم، تثبیت نشده است. منبع ایجاد تم، داده‌محور است. تم پارادایم هنری، پایه‌ای و از نوع مشهود و اصلی است و در صدر سایر تم‌ها که در متن مقاله به آن‌ها اشاره خواهد شد، قرار دارد. اجرای این تحقیق از الگوی شش‌مرحله‌ای براون و کلارک<sup>۴</sup> پیروی می‌کند. همچنین روش‌شناسی، تحلیلی و از نوع استقرایی است که در تحلیل داده‌ها به‌مثابه روشی نو و ابزاری کارآمد مورد واکاوی قرار گرفته است.

پارادایم حاکم، دچار نقص و کاستی‌های محوری باشد، تئوری‌های هماهنگ با آن نیز دچار همان نواقص خواهند شد» (گائینی، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۳۸). هریک از این چهار بُعد پارادایم نشانگر، مفروضات، باورها، هنجارها و ارزش‌هایی را معرفی و هدایت می‌کند که در ادامه به توضیح تفصیلی و کاربردی آن‌ها پرداخته خواهد شد و پتانسیل کاربردی هریک از پارادایم‌ها نسبت به روش‌های تحقیق متعارف، معرفی خواهد شد.

### معرفت‌شناسی

بُعد معرفت‌شناسی در پارادایم برای نحوه شناخت پژوهشگر از داده‌ها استفاده می‌شود و رکنی برای چگونگی تحقیق و شناخت واقعیت است. معرفت‌شناسی از چهار روش برای واکاوی داده‌ها استفاده می‌کند که عبارت‌اند از: «۱. دانش شهودی؛ ۲. دانش معتبر؛ ۳. دانش منطقی؛ ۴. دانش تجربی» (Kivunja & Kuyini, 2017: 26-41). چنانچه پژوهشگری با استفاده از شهود دیداری یا اطمینان و ایمان به اطلاعات جمع‌آوری‌شده، به تحلیل واقعیت بپردازد، از بُعد دانش‌شهودی معرفت‌شناسی استفاده کرده است. اگر داده‌ها را از اسناد و کتاب‌های معتبر جمع‌آوری کرده باشد، روش دانش معتبر در معرفت‌شناسی را به کار گرفته است. «سؤالات مهم که به طراحی تحقیق در حوزه معرفت‌شناسی مربوط می‌شوند، عبارت‌اند از: هدف مطالعه ما در جهت ایجاد دانش چیست؟، چگونه دانش ایجاد کنیم؟، چه کسانی دانش را به‌عنوان واقعیت می‌پذیرند؟» (Moon & et.al, 2021: 1-4). بنابراین چنانچه از عقل به‌عنوان مطمئن‌ترین راه برای شناخت حقیقت استفاده کند، وارد مسیر دانش منطقی معرفت‌شناسی شده و اگر به

نظر پژوهشگر، دانش به بهترین وجه از تجربیات هستی و حقایق عینی اثبات‌پذیر است، از بُعد دانش تجربی معرفت، مسیر را می‌پیماید. در این صورت، می‌توان گفت زیرمجموعه معرفت‌شناسی، پارادایم‌هایی همچون ساخت‌گرایی<sup>۹</sup>، عینیت‌گرایی<sup>۱۰</sup> و تفسیرگرایی<sup>۱۱</sup> هستند.

انواع الگوهای متعارف در موضع معرفت‌شناسی عبارت‌اند از: ۱. عینی‌گرا؛ ۲. نسبی‌گرا<sup>۱۲</sup>؛ ۳. ترکیب‌گرا<sup>۱۳</sup>.

عینی‌گرا به الگوهایی گفته می‌شود که اغلب در تحقیقات علوم طبیعی رایج است و شامل مطالعه واقعیت و استنباط آن می‌شود و در پی علت و معلول است و با تجربیات تأییدشده و به عینیت‌رسیده، اثبات می‌شود. نسبی‌گرا، الگویی است در مقابل عینی‌گرا و از مهم‌ترین مباحث موضع معرفت‌شناسی است که به آن، ذهنی‌گرا نیز گفته می‌شود. نسبییت امری است که مقایسه دو یا چند سوژه را انجام می‌دهد. الگوی واحدی برای این مقایسه در واقعیت عینی وجود ندارد؛ زیرا از پارادایم عینی‌گرایانه و الگوی تجربی پیروی نمی‌کند و فقط به نسبتیت بین سوژه‌های مورد تحقیق می‌پردازد.

ترکیب‌گرا، ترکیبی از دو مجموعه عینی‌گرا و نسبی‌گراست که ضمن مطالعه و پژوهش درباره موارد به اثبات‌رسیده، قائل به نسبتیت بین سوژه‌ها می‌شود و سعی در ترکیب این دو الگو و تولید بهترین خروجی دارد.

### هستی‌شناسی

هستی‌شناسی برای یک پارادایم بسیار ضروری است؛ زیرا به درک آنچه پژوهشگر ارائه می‌دهد، کمک می‌کند. واقعیت، هستی و مفهوم داده‌های

و معرفت‌شناسی باشد» (گری و میلنز، ۱۳۹۷: ۴۵). روش‌شناسی تحقیق می‌تواند به‌صورت کمی، کیفی یا ترکیبی از این دو باشد. «سرآغاز تحقیقات در نیمه دوم قرن گذشته به‌صورت علمی با تحقیقات کمی در این زمان بود. پژوهش‌های کیفی ابتدا توسط مردم‌شناسان در اواخر قرن نوزده مطرح شد و بعد از ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ محققان دیگر از این رویکرد استفاده کردند» (امامی‌سیکارودی و صلصالی، ۱۳۹۰: ۴۷-۵۰). روش‌های کمی غالباً اثبات‌گرا هستند و برای فرضیه‌سازی استفاده شده و در پژوهش‌هایی که با عدد و رقم سروکار دارند به کار می‌روند. روش‌های کیفی اغلب جنبه تفسیری داشته و برای پژوهش‌هایی در حوزه علوم انسانی و هنر کاربرد دارد. کیفیت و ویژگی و ماهیت چیزی و کمیت، مقدار آن است. امروزه در حوزه هنر، اغلب از روش کیفی استفاده می‌شود؛ درحالی‌که هنر، پتانسیل روش تحقیق کمی را نیز دارد. «روش‌شناسی، انتخاب هوشمندانه روش تحقیق‌هایی است که روش‌هایی خاص با نتایج مطلوب را به همراه دارد» (Abdelhamid, 2008: 1-13). در روش‌شناسی برای تحلیل داده‌ها و اطلاعات، از چهار راهبرد اصلی که اساس تعمیم را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌شود که عبارت‌اند از: قیاسی، استقرایی، استفهامی و پس‌کاوی. بلیکی (۱۳۹۵) روش تحلیل قیاسی داده‌ها را ناشی از تجربه می‌داند و تلاشی برای خلق قیاس بین واقعیت و داده‌های تحقیق می‌شناسد. واقعیت و هستی، معیاری برای سنجش و قیاس برای مشاهدات و مستندات پژوهش است. هرچه داده‌های پژوهش به واقعیت نزدیک‌تر باشند، نتایج پژوهش قطعی‌تر می‌شود. وی استقرا را بنیادی مطمئن می‌داند که به‌واسطه مشاهده به دست آمده است؛ یعنی در روش تحلیل استقرایی، مشاهدات،

جمع‌آوری‌شده خام اولیه را مشخص می‌کند و عامل مهمی برای جهت‌گیری تفکر پژوهشگر است. «واقعیت و هستی، معیاری برای سنجش مشاهدات و مستندات پژوهش است که هرچه داده‌های جمع‌آوری‌شده به واقعیت نزدیک باشند، نتایج پژوهش قطعی‌تر می‌شود» (بلیکی، ۱۳۹۸: ۶۹).

«هستی‌شناسی، شاخه‌ای از فلسفه است که با ماهیت واقعیت و طبیعت آنچه وجود دارد، مرتبط است که به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. هستی‌شناسی واقع‌گرا؛ ۲. هستی‌شناسی ایده‌آلیست» (محمدپور، ۱۳۹۸: ۳۸). هستی‌شناسی واقع‌گرا شامل بیان قوانین و حقایق می‌شود که در جهان هستی وجود دارد و برای تحلیل و توصیف و همچنین واکاوی این حقایق و نیز اثبات این قوانین کاربرد دارد. هستی‌شناسی ایده‌آلیست برای بیان جهان پیچیده و هستی در حال تغییر است و برای جهانی با موضوعات ناپایدار و پویا کاربرد دارد. «پارادایم هستی‌شناسی به دیدگاه نظری مربوط می‌شود» (Dawn, 2007: 19-27). هر آنچه در جهان هستی وجود دارد، با دیدگاه نظری قابل بیان و توصیف و تفسیر است؛ بنابراین پارادایم هستی‌شناسی می‌تواند در پژوهش‌های کیفی و کمی کاربرد داشته باشد.

### روش‌شناسی

روش‌شناسی پارادایم برای طراحی تحقیق و رویکردهای به کار گرفته شده در پژوهش استفاده می‌شود. روش‌شناسی به فرایند و طراحی، برنامه عمل و استراتژی تحقیق گفته می‌شود (M.Ai.Ababneh, 2020: 75-91). در واقع، درک مشترک از بهترین ابزارها برای پیشبرد پژوهش است. «روش‌شناسی باید زاینده هستی‌شناسی

سندیتی بیشتر از تجربه دارند. بلیکی در استدلال پس‌کاوی، مدل و فرضیه‌هایی را که بر قوه تخیل علمی استوار هستند، مبنا قرار می‌دهد. در این نوع تحلیل، بر پایه فرضیه‌ای که محقق انتخاب می‌کند، ساختارها و مکانیسم‌های واقعی آشکار می‌شوند. نورمن بلیکی، استدلال استفهامی را مبتنی بر سنت هرمنوتیک می‌داند. در واقع، راهبرد استفهام، با به کار گرفتن مفاهیم و معانی استفاده‌شده از سوی کنشگران اجتماعی و فعالیت آن‌ها در زندگی اجتماعی، تفسیرهای علمی اجتماعی ارائه می‌کند. «در اغلب پژوهش‌ها سعی بر آن است تا در روش‌شناسی پژوهش بر رویکردهای استقرایی و قیاسی تأکید شود» (محمدزاده میانجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱-۲۸)؛ به دلیل اینکه دو الگوی استقرایی و قیاسی دربردارنده اجمالی از الگوهای پس‌کاوی و استفهامی نیز می‌شود. طبق نوشته محمدزاده میانجی (همان)، انتخاب روش‌شناسی در هر پژوهشی، مبتنی بر رویکرد پژوهشگر به مسائل تحقیق است.

### اصل‌شناسی

رکن اصل‌شناسی از ارکان پارادایم، بعدی است که لینکلن و گوبا در سال ۱۹۸۵ به‌عنوان رکن چهارم و مهم مطرح کردند که در غالب تحقیقات و منابع به آن اشاره نشده است. این مقاله فرض را بر این می‌گذارد

که رکن چهارم (اصل‌شناسی) را همه پژوهشگران رعایت می‌کنند و از ذکر آن پرهیز می‌کنند؛ ولی به دلیل مهم بودن این بُعد از پارادایم، در این مقاله به تفصیل به آن پرداخته می‌شود. اصل‌شناسی به مباحث اخلاقی که در مسیر پژوهش باید رعایت شود، اشاره دارد که شامل این موارد است: «۱. رفتار اخلاقی؛ ۲. دین‌شناسی؛ ۳. اصول اخلاقی؛ ۴. انصاف» (Kivunja & Kuyini, 2017: 26-41). رفتار اخلاقی مربوط به یکسان بودن شرایط تحقیق برای تمامی افرادی است که در پژوهش شرکت می‌کنند. به اشخاصی که برای مصاحبه یا تکمیل پرسش‌نامه شرکت می‌کنند، باید به‌طور یکسان توجه شود و بهترین رفتار اخلاقی با آن‌ها صورت بگیرد. دین‌شناسی مربوط به صادق بودن محقق در مسیر پژوهش است. پژوهشگر در تفسیر داده‌ها و ارجاع آن‌ها باید صداقت و بی‌طرفی را رعایت کند. اصول اخلاقی باید در حین مصاحبه و مشاهده و جمع‌آوری داده‌ها رعایت شود؛ چراکه همه اشخاص محترم‌اند و باید به آن‌ها احترام گذاشته شود. انصاف، چهارمین بُعد از ارکان اصل‌شناسی است که مربوط به جلب اطمینان شرکت‌کنندگان در تحقیق است که از دیگر وظایف پژوهشگر می‌شود که به رعایت انصاف و رعیت حقوق همه شرکت‌کنندگان در تحقیق مربوط شود.

جدول ۱- ارکان پارادایم و روش تحلیل آن‌ها، (منبع: نگارندگان)

روش شناسی داده‌ها	روش تحلیل داده‌ها	روش شناسی داده‌ها	روش تحلیل داده‌ها
معرفت‌شناسی	کیفی و کمی	ساخت‌گرا (ذهنیت‌گرا)، عینیت‌گرا، تفسیرگرا (ترکیب‌گرا)	روش تحلیل داده‌ها
هستی‌شناسی	کیفی و کمی	واقع‌گرا، ایده‌آلیست	روش تحلیل داده‌ها
روش‌شناسی	کیفی و کمی و ترکیب‌گرا	قیاسی، استقرایی، استفهامی، پس‌کاوی	روش تحلیل داده‌ها
اصل‌شناسی	کیفی و کمی و ترکیب‌گرا	رفتار اخلاقی، دین‌شناسی، اصول اخلاقی، انصاف	روش تحلیل داده‌ها

## انواع پارادایم

بعد از بررسی و انتخاب موضع پارادایمی، همچنین واکاوی ارکان پارادایم، انتخاب نوع پارادایم ضروری است. طبق شیوه تحقیقات و رویکرد پژوهش، نوع پارادایم تعیین می‌شود. انواع پارادایم، مجموعه‌ای از مراحل منطقی است که در مسیر پژوهش، راهگشا و پشتیبان اصلی محقق بوده و الگوهای رایج در جهت‌گیری ساختارمند و علمی در فرایند تحقیق محسوب می‌شوند. انواع پارادایم عبارت‌اند از: اثبات‌گرایی<sup>۱۴</sup>، پسااثبات‌گرایی<sup>۱۵</sup>، انتقادی<sup>۱۶</sup>، تفسیری<sup>۱۷</sup>، فمینیسم<sup>۱۸</sup>، پست‌مدرن<sup>۱۹</sup>، ثنوری آشوب<sup>۲۰</sup> و پراگماتیسم<sup>۲۱</sup>. هر کدام از این پارادایم‌ها در زیرمجموعه‌های عینی‌گرا، نسبی‌گرا و ترکیب‌گرا قرار می‌گیرند. ضمن بررسی محتوای هر کدام و تناسب آن با انواع روش‌های تحقیق، به معرفی مناسب‌ترین آن‌ها در حوزه هنر خواهیم پرداخت. «تغییرات هنر در فرایند تاریخ، آینه تمام‌نمای ظهور و افول پارادایم‌ها و برآیند پوست‌اندازی نگرش‌ها و نیروهای ذهنی جامعه است» (طاهری، ۱۳۹۷: ۹۰-۱۱۳).

## اثبات‌گرا

الگویی مثبت‌گرا برای تعریف جهان‌بینی و بر اساس روش علمی تحقیق شناخته می‌شود. از نظر چهار موضع اصلی یک پارادایم می‌توان گفت معرفت‌شناسی عینیت‌گرا دارد، هستی‌شناسی آن رئالیسم، روش‌شناسی آن تجربی و اصل‌شناسی آن سودرسانی است. «روشی که امروزه تحت عنوان روش کمی یا علمی نام گرفته، اقتباسی از نظام فلسفی اثبات‌گرایی است که طبیعی و تجربی است» (امامی سیکارودی و شفیعی، ۱۳۹۰: ۴۷-۵۰). تحقیقات در این پارادایم بر فرمول‌بندی و فرضیه‌ها متکی است و هدف آن، ارائه

توضیحات و پیش‌بینی نتایج قابل‌اندازه‌گیری است. «پارادایم اثبات‌گرایی از طریق کنترل و ساده‌سازی متغیرها به دنبال این است که میزان پیچیدگی را کاهش دهد» (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۵۲-۶۹). تعمیم‌هایی که در تحقیقات اثبات‌گرا انجام می‌گیرد، به نیت محقق توجهی ندارد؛ ولی اثبات‌گرایان معتقدند تولید دانش، امری عمومی است و در نظر نگرفتن عمومی‌بودن تولید دانش، امری رایج است. در پارادایم اثبات‌گرایی، حقیقت یا دانش با تحقیقات کشف می‌شود و می‌توان از رویکردهای تجربی یا تحلیلی استفاده کرد.

## پسااثبات‌گرا

الگوی پسااثبات‌گرا مسیر اثبات‌گرایی را کامل ندانسته و همواره در تحقیقات و نتایج به‌دست‌آمده، عدم قطعیت و احتمال را مدنظر قرار می‌دهد؛ بنابراین معرفت‌شناسی آن تفسیرگرا، هستی‌شناسی آن ایده‌آلیست و روش‌شناسی آن از نوع کیفی است و اصل‌شناسی آن بر عدالت استوار است.

## انتقادی

پارادایم انتقادی، تحقیقات خود را در زمینه مسائل مربوط به عدالت اجتماعی قرار داده و به دنبال مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در الگوی انتقادی، احترام به هنجارهای فرهنگی در اولویت است و شرایط افراد بر اساس موقعیت اجتماعی سنجیده می‌شود. پژوهشگر به دنبال یک عمل ساخت‌وساز به‌جای کشف است. همچنین محقق تلاش‌هایی برای ارتقای حقوق بشر و افزایش عدالت اجتماعی دارد. «پارادایم انتقادی به‌طور ابتدایی فرض می‌کند که جوامع، کورکورانه به انجام آنچه رژیم‌های قدرتمند می‌خواهند، می‌پردازند و



برده این فرایند می‌شوند؛ به همین دلیل، این پارادایم به‌دنبال آزادی‌بخشی است» (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۵۲-۶۹). در معرفت‌شناسی، محقق با شرکت‌کنندگان در تحقیق در ارتباط است. در هستی‌شناسی، رئالیسم تاریخی و در روش‌شناسی، گفت‌وگو محور است و در اصل‌شناسی، به هنجارهای فرهنگی احترام می‌گذارد.

### تفسیری (ساخت‌گرا)

تلاش اصلی پارادایم تفسیری، درک جهان ذهنی و تجربی است. این الگو موضوعات مورد تحقیق را درک، توضیح و تفسیر می‌کند. در واقع، تأکید بر درک و تفسیر آن‌ها از جهان پیرامون است. «هستی‌شناسی ساختارگرا، شخصیت ظاهری آشوب‌دار و غیرقابل پیش‌بینی زندگی اجتماعی را نوعی وهم توصیف می‌کند» (بهرز و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱-۵۲). پارادایم تفسیری بر این اعتقاد است که واقعیت از لحاظ اجتماعی ساخته شده است؛ به همین دلیل؛ به آن پارادایم (ساخت‌گرایی) نیز می‌گویند. «مبانی فلسفی روش تحقیق کیفی، مکتب فلسفی ساختارگرایی است» (امامی سیکارودی و صلصالی، ۱۳۹۰: ۴۷-۵۰). چنان‌که قبلاً بیان شد، روش تحقیق کیفی بر اساس مطالعات طبیعت‌گرایانه است که از بنیان‌های پارادایم تفسیری است. تحقیقات واقع بر پارادایم تفسیری، بر این باورند که واقعیت‌ها چندگانه‌اند و از نظر اجتماعی ساخته شده‌اند؛ بنابراین نیاز به درک قوانین فردی دارند نه قوانین جهانی. «تحقیق تفسیری معمولاً نیروهای ساختاری بیرونی را که بر رفتار اثرگذارند نادیده می‌گیرد (کوهن، ۲۰۰۷) و ادراک به‌صورت تاریخی در سنت‌ها و قضاوت‌ها و اقدامات نهادی ما شکل می‌گیرد (تیلور ۲۰۰۷)» (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۵۲-۶۹). در این پارادایم، معرفت‌شناسی بر پایهٔ سوپژه<sup>۲۲</sup>

استوار بوده و هستی‌شناسی آن نسبی‌گرایانه است، از روش‌های تحقیق طبیعت‌گرا استفاده می‌کند و اصل‌شناسی آن، ارزش‌های آن را منعکس می‌کند.

### فمینیسم

چنانچه الگوهای پارادایمی با نظم جنسیتی تجزیه و تحلیل شوند، فمینیستی می‌شوند. فمینیسم به‌راحتی در پژوهش‌های مربوط به نابرابری یا تبعیض جنسیتی مطرح می‌شود. «رویکرد فمینیستی به پژوهش، به اندیشه‌ای استناد می‌کند که بر پایهٔ آن، جنسیت در فهم آفرینش و محتوا و تکامل تحقیق، عنصری اساسی است» (آدامز، ۱۳۹۸: ۹۷)؛ بنابراین محقق و پارادایم‌های تحقیق را نمی‌توان جدا از هم فرض کرد. همچنین می‌توان به این نتیجه رسید که پارادایم‌های تحقیقاتی، خصلتی جنسیتی دارند و آن‌ها را نمی‌توان جهان‌شمول در نظر گرفت. «برخی از فمینیست‌ها استدلال کردند که جنسیت به‌تنهایی نمی‌تواند وحدت‌بخش باشد» (Deepwell, 2020: 19-27). در استدلال فمینیستی، محقق و الگوهای تحقیق، بازتاب شرایط خودشان را نشان می‌دهند که این به‌معنی یک‌سویه نگاه کردن به هنر و تحقیق در باب هنر است؛ ولی چنان‌که می‌دانیم، هنر تمام‌سویه و جهان‌شمول است. «برای تأثیرگذاری ایدئولوژی فمینیستی، هر دو جنس باید در تعاملات مشارکت داشته باشند» (Pariser, & et al, 2016: 1-5). فقدان مشارکت مردان در الگوهای فمینیستی ممکن است نشان دهد فمینیسم همچنان دغدغهٔ زنان است.

### پست‌مدرن

پارادایم پست‌مدرن با خود پیچیدگی و ابهام به همراه دارد. «پارادایم پست‌مدرن خرد موجود در هستهٔ

پارادایم عمل‌گرا نیز گفته می‌شود. پراگماتیسم، پارادایمی برای شکستن دوگانگی بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی است؛ به همین دلیل، به آن، پارادایم ترکیب‌گرا هم می‌گویند. کاوشیک و والش<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «پراگماتیسم به‌عنوان پارادایم تحقیق» می‌گویند: پراگماتیسم سه ایده دارد. ایده اول: اقدامات عمل‌گرایانه نمی‌تواند از موقعیت و زمینه‌هایی که در آن رخ می‌دهد جدا باشد؛ چون بارها اقدامات مشابهی انجام می‌دهیم و نتایج قابل‌پیش‌بینی حاصل می‌کنیم. ایده دوم: اقدامات به عواقبی مرتبط هستند که امکان تغییر دارند؛ یعنی اگر شرایط عمل تغییر کند، نتایج نیز تغییر خواهند کرد. پراگماتیست‌ها معتقدند یک موقعیت را دو بار نمی‌توان تجربه کرد؛ به این معنی که اعتقادات ما درباره نحوه عمل در یک موقعیت، ذاتاً موقت است. ایده سوم: در نهایت، اقدامات به جهان‌بینی بستگی دارد که مجموعه باورهای اجتماعی هستند. پراگماتیست‌ها معتقدند هیچ دو موردی وجود ندارد که افراد، تجربیات کاملاً یکسانی داشته باشند. با این توصیف‌ها به این نتیجه می‌رسیم که پارادایم پراگماتیسم برای تحقیقاتی که از روش‌های عملی، تاریخی و اکتشافی و همچنین قوم‌نگاری، پدیدارشناختی و پدیده‌شناسی استفاده می‌کنند، کاربرد دارد. حریری (۱۳۹۵) روش پدیده‌شناسی را با پدیدارشناسی برابر دانسته است؛ ولی در تحقیقات حوزه هنر، این دو روش تحقیق کاملاً مجزا و تفکیک‌شده هستند.

### پراگماتیسم هنری

«پارادایم پراگماتیسم بیشتر به‌خاطر کاربردی (عمل‌گرا) بودن آن مورد توجه و کارکرد است تا در مبنای فلسفی آن» (Morgan, 2014: 1046-1052).

مدرنیسم را سرکوب تلقی کرده و در مقابل بر بازی آزادانه زبان و کنش تأکید دارد؛ لذا بر جابه‌جایی از سنت و علم به سمت هنر، زبان و فرهنگ متمرکز می‌شود» (محمدپور، ۱۳۹۸: ۴۷۷). تردید و ابهام درون پست‌مدرن، عاملی است که نگاهی ذهنی و ذهنی‌گرایانه در رویکردهای خود دارد. «منتقدان پست‌مدرن، پست‌مدرنیسم را رویکردی نامنسجم توصیف می‌کنند» (داناویی فرد، ۱۳۸۶: ۸۹-۱۰۴). پست‌مدرنیسم برعکس مدرنیسم جهان غرب، به تفاوت بین همه پدیده‌ها اعتقاد دارد و واقعیت مرکزی پدیده‌ها را انکار می‌کند. پارادایم پست‌مدرن، بدون الگوی از پیش تعیین‌شده است و نسخه غیرواقعی از واقعیت را محتمل‌تر می‌داند و بر اصل شالوده‌شکنی استوار است.

### تئوری آشوب

در پارادایم تئوری آشوب، هدف و نتیجه، بستگی به مسیر پژوهش دارد و مسیر پژوهش به رویکرد، نظریه و اندازه‌گیری‌های اولیه. چنانچه کوچک‌ترین تغییر در ابتدا یا مسیر پژوهش رخ دهد، نتیجه‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی و خارج از تصورات اتفاق خواهد افتاد. بنابراین می‌توان گفت جهان تحقیق، غیرقابل‌پیش‌بینی است و کوچک‌ترین تغییر در محاسبات، حوادث بزرگی را رقم خواهد زد. یکی از راه‌حلهایی که درصد خطا را به حداقل می‌رساند، افزایش تعداد دفعات آزمایش، پرسش‌نامه و مصاحبه و تحقیقات میدانی است.

### پراگماتیسم (ترکیب‌گرا، عمل‌گرا)

پارادایم پراگماتیسم به‌عنوان یک فلسفه، بر جنبه‌های عملی روش‌های تحقیق تأکید می‌کند؛ به همین علت،

هنر و تحقیقات در حوزه هنر نیز بیشتر کاربردی و عملی است. «به‌منظور ارائه یک پارادایم هنری، روش‌های علمی، دقیق‌تر از رویکردهای روش‌شناختی هستند و هنوز هیچ رویکرد پذیرفته‌شده در سطح جهان برای هنر وجود ندارد» (گری و ملینز، ۲۰۱۴: ۵-۱)؛ ولی روش‌های علمی بسیاری در انواع هنر وجود دارد. بنابراین پراگماتیسم، گزینه مناسبی برای پژوهش‌های هنری محسوب می‌شود. الگوی پراگماتیسم به‌عنوان فلسفه بر ابعاد تحقیق تأکید دارد. چنانچه بخواهیم بر ابعاد علمی و عملی پژوهش‌های هنری تأکید کنیم، بعد عمل‌گرای پارادایم پراگماتیسم، گزینه منطقی محسوب می‌شود. در این جستار از واژه پراگماتیسم‌هنری<sup>۲۴</sup> استفاده کرده‌ایم و نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود. روش ایجاد دانش در انواع رشته‌ها تنوع‌گوناگونی دارد و در حوزه هنر نیز متفاوت است. تفاوت در نحوه ایجاد و ارزیابی دانش، دیدگاه متفاوت از یک دانش واحد است. پراگماتیست‌ها اعتقاد دارند ما آزادیم هر چیزی را که می‌خواهیم باور کنیم، اگرچه برخی باورها محتمل‌تر هستند و اصل ذات هنر نیز در آزادی اندیشه و تخیل است که صورت می‌پذیرد و خلق می‌شود. بنابراین پارادایم پراگماتیسم برای هنر کارایی بیشتری دارد؛ زیرا هنر در عین حال که از قانونی کلی پیروی می‌کند، کاملاً منحصر به فرد است و مربوط به صاحب آن اثر هنری است و هیچ دو اثر هنری حتی از یک هنرمند، شبیه هم نیستند. پراگماتیست‌ها متفق‌القول‌اند که واقعیت را نمی‌توان یک بار برای همیشه تعیین کرد؛ بنابراین روش‌های تحقیق که بر اساس پراگماتیسم انجام می‌شود، قطعیت ندارد. این نیز دقیقاً مانند اصل ذات هنر است که قطعیت ندارد. پارادایم پراگماتیسم فلسفی می‌گوید

این حقیقت درونی هر چیزی است که خود آن چیز را توجیه و تفسیر می‌کند. اگر هنر را به‌عنوان یک عنصر از عالم هستی بدانیم، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که این هنر است که خود هنر را تحلیل و تفسیر می‌کند. بنابراین بررسی و تحلیل هنر از منظر پراگماتیستی، روشی برای ارزش‌یابی و زیبایی‌شناسی برای انواع شناسایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این توضیحات، به نظر واحدی خواهیم رسید که پراگماتیسم، شناخت حقیقی شناخت‌ها و روشی پاسخ‌گو و مناسب در پژوهش‌های کمی و کیفی در حوزه هنر است.

#### هدف پژوهش‌های حوزه هنر

پژوهش‌های هنری، چه با محتوای کیفی و چه با محتوای کمی، اهدافی را پیگیری می‌کنند که این اهداف بر پایه پارادایم‌هایی است که در این تحقیق معرفی و تحلیل شد. «علم و هنر از راه‌های ضروری برای شناخت جهان به شمار می‌روند؛ اما بیشترین واکنش‌ها به محیط از طریق تجربه شخصی تعیین می‌شود» (حبیبی، ۱۳۹۵: ۶۱-۸۹). خلق اثر هنری و پژوهش در حوزه هنر، تجربه شخصی محسوب شده و همسو با آن برای رسیدن به هدف، ابزار و الگوهای مناسب نیاز است.

اگر الگوی پژوهش هنر، پارادایم اثبات‌گرایی باشد (با استناد به گزینه ۵،۱)، هدف نهایی پژوهش، کشف قوانین خواهد بود. اگر مسیر پارادایمی تحقیق، انتقادی باشد (با استناد به گزینه ۵،۳) هدف از تحقیق صرفاً نقد خواهد بود و پارادایم تفسیری (با استناد به گزینه ۵،۴) انتخاب مناسبی برای درک و فهم از هنر است.

جدول ۲- نگاهی نو به رابطه بین انواع و ارکان پارادایم، (منبع: نگارندگان)

اصل‌شناسی	روش‌شناسی	هستی‌شناسی	معرفت‌شناسی	اثبات‌گرا
سودرسانی	قیاسی (تجربی) / کمی	رنالیسم طبیعی	عینیت‌گرا	
رفتار اخلاقی و عدالت اجتماعی	استقرایی / کیفی	ایده‌آلیست	تفسیرگرا	پسا اثبات‌گرا
احترام به هنجارهای فرهنگی	استفهامی / کمی و کیفی	رنالیسم تاریخی	عینیت‌گرا	انتقادی
انعکاس ارزش‌ها و اصول اخلاقی	قیاسی (طبیعت‌گرا) / کیفی	نسبی‌گرا	ساخت‌گرا	تفسیری
جنسیت‌گرا	پس‌کاوی / کیفی	ایده‌آلیست	ساخت‌گرا	فمینیسم
انصاف و رفع ابهام	استفهامی / کیفی	ایده‌آلیست	ساخت‌گرا	پست مدرن
انصاف و توازن در تحقیق	استقرایی / کمی	ایده‌آلیست	تفسیرگرا	تئوری آشوب
عمل‌گرا	ترکیبی / ترکیبی	ایده‌آلیست	تفسیرگرا	پراگماتیسم هنری

خود، زمان خلق اثر و شرایط اجتماعی زمانه می‌شود؛ بنابراین پژوهش و شناخت در مقوله هنر با تمام جوانب، کار دشواری خواهد بود.

جدولی که در پی خواهد آمد، رابطه بین پارادایم‌های تحقیق و هدف پژوهش را نشان می‌دهد که بهترین و مناسب‌ترین روش تحقیق در مسیر پژوهش هر کدام نیز معرفی شده است.

چنانچه پارادایم پست‌مدرن، الگوی تحقیق باشد، هدف نهایی تحقیق، فعال‌سازی ذهن خواهد بود. اگر از پارادایم پراگماتیسم هنری برای مسیر پژوهش استفاده شود که مناسب‌ترین پارادایم در حوزه هنر است (با استناد به گزینه ۲،۹)، هدف نهایی از تحقیق، شناخت خواهد بود. تحقیق در حوزه هنر بسیار گسترده و مشکل هست؛ چراکه هر اثر هنری در مقایسه با سایر آثار، هویتی مستقل دارد که مربوط به خصوصیات شخصی صاحب

جدول ۳- ارتباط منطقی بین هدف، پارادایم و روش تحقیق (منبع: نگارندگان)

روش‌های پیشنهادی	انواع پارادایم	هدف پژوهش هنری
کیفی و کمی، آزمایشی	اثبات‌گرایی	کشف قوانین
تاریخی، تطبیقی، مردم‌نگاری، نقد ادبی، تأویلی	انتقادی	نقد
مردم‌نگاری، روایتی، میدانی، پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، جامعه‌سنجی	تفسیری	درک و فهم
ترکیبی	پراگماتیسم هنری	شناخت
ساختارشناسی، روایتی، دیالکتیک، نشانه‌شناسی، روش‌های متنی	پست‌مدرنیسم	فعال‌سازی ذهن

بودیم که هدف اصلی از این پژوهش نیز تبیین الگویی کوتاه، آسان و کارآمد بود که طراحی مدل و الگو از توانمندی‌های روش تحقیق تحلیل تماتیک است. «سه

### مسیر پژوهش

باتوجه به روش تحقیق این پژوهش که تحلیل تماتیک بود، به دنبال مدل‌سازی برای پژوهش‌های حوزه هنر

فعالیت جاری هم‌زمان تحلیل نزد مایلز و هوبرمن - تلخیص داده‌ها، نمایش داده‌ها و نتیجه‌گیری از این دو- چارچوب اصلی تحلیل را فراهم می‌کند» (گری و میلنز، ۱۳۹۷: ۲۰۳). در این پژوهش، مسیر سه‌گانه مایلز و هوبرمن پیموده شده و به هدف نهایی رسیده است. به‌واسطه این تحقیق، با در دست داشتن تحلیل و تبیین تمامی پارادایم‌ها و نیز تعمیم آن‌ها به هنرهای هشتگانه، همچنین یافتن رابطه بین هنرها، اهداف پژوهش، پارادایم‌ها و روش‌های تحقیق، اینک به معرفی مسیری کوتاه، آسان و جامع خواهیم پرداخت که اجرای این مسیر کوتاه و کامل، راهی منطقی برای پژوهش‌های حوزه هنر خواهد شد. برای پژوهش، ابتدا داده‌های تحقیق را بررسی کرده و به نوع آن که متشکل از کیفی و کمی است، پی می‌بریم. سپس شیوه مسیر را انتخاب می‌کنیم که شامل قیاسی، استقرایی، استفهامی و پس‌کاوی است. در مرحله بعد، پارادایم مناسب تحقیق را انتخاب کرده و در مرحله آخر، به هدف پژوهش پرداخته می‌شود.

### نتیجه‌گیری

نقش پارادایم در شناخت فلسفی هنر در چهار بُعد مستحکم و ستونی منطقی برای انواع تحقیق (کیفی و کمی)، در این جستار به تفصیل بررسی شد. روش تحلیل معرفت‌شناسی، ساخت‌گرا و عینیت‌گرا و ترکیب‌گرا و الگوی هستی‌شناسی، واقع‌گرا و ایده‌آلیست معرفی شد. در رکن روش‌شناسی تحقیق، قیاسی، استقرایی، استفهامی و پس‌کاوی گزارش شد و در بُعد اصل‌شناسی، رفتار اخلاقی، دین‌شناسی، اصول

اخلاقی و انصاف معرفی گردید. در ادامه، به معرفی انواع پارادایم، شامل اثبات‌گرا، پسااثبات‌گرا، انتقادی، تفسیری، فمینیسم، پست‌مدرن، تئوری آشوب و پراگماتیسم پرداخته شد و تناسب و ربط هریک از انواع پارادایم با مواضع اصلی و روش تحلیل آن‌ها در جدولی به نمایش درآمد. یکی از سؤالات این پژوهش، تعمیم پارادایم در حوزه هنر بود که خلاقیت و ابداع این جستار نیز محسوب می‌شود. نوآوری این پژوهش، پراگماتیسم هنری بود که به‌عنوان تم اصلی این تحقیق معرفی و سپس به تفصیل تحلیل شد و به‌عنوان پارادایمی نو و البته کامل و کاربردی در حوزه هنر خلق شد. علت و چگونگی تعمیم این پارادایم نوین به هنر و همچنین یافتن رابطه بین آن و سایر مواضع پارادایمی، به‌دلیل جامعیت و فراگیری این پارادایم به تمامی ابعاد پژوهش هنر بیان شده است. از مهم‌ترین اهداف این تحقیق، تبیین مسیری کوتاه، آسان و کارآمد بود که یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های روش تحقیق تحلیل تماتیک نیز محسوب می‌شود که در چهار مرحله (بررسی محتوای داده‌ها، انتخاب شیوه مسیر، انتخاب پارادایم و هدف پژوهش) بیان شد. باتوجه به تم اصلی این پژوهش، پارادایم پراگماتیسم هنری که در واقع ابداع این تحقیق نیز محسوب می‌شود، مسیر چهارمرحله‌ای را بیان کرده و تمامی مواضع و ارکان پارادایم‌ها و نیز بهترین روش تحقیق مربوط به هرکدام را طی جدولی به یکدیگر ربط داده و معرفی کرده‌ایم. نتیجه این تحقیق منجر به تولد پارادایمی نو در عرصه هنر و همچنین تبیین مسیری کوتاه و کارآمد برای تحقیق و پژوهش در باب هنر شد.

1. Paradigm
2. Thomas Kuhn
3. Ontology
4. Epistemology
5. Methodology
6. Braun & Clarke
7. Lincoln and Guba
8. Originality
9. Constructivism
10. Objectivism
11. Interpretivism
12. Relativistic
13. Compositional
14. Positivism
15. Post Positivism
16. Critical
17. Interpretive
18. Feminism
19. Post modern
20. Chaos Theory
21. Pragmatism
22. Subject
23. Kaushik & Walsh
24. Artistic Pragmatism

## فهرست منابع

- آدامز، لوری (۱۳۹۸). روش‌شناسی در هنر، ترجمه علی معصومی، تهران: نظر.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین و مهوش صلصالی (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه‌ای پارادایم‌های مطالعات کمی و کیفی، پرستاری و مامایی جامع‌نگر، ۴۷-۵۰: ۶۶.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۵). پارادایم‌های تحقیق در علوم انسانی، ترجمه سیدحمیدرضا حسنی و محمدتقی ایمان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهروز، سیدمحمد، اسماعیل ضرغامی و جمال‌الدین مهدی‌نژاد (۱۳۹۳)، پارادایم‌های معاصر هستی‌شناسی فضا و نسبت آن با شناخت‌شناسی معماری، روش‌شناسی علوم انسانی، ۳۲-۵۲: ۸۱.
- حبیبی، امین (۱۳۹۵)، رویکردهای نوین در پژوهش زیبایی‌شناسی منظر، باغ نظر، ۴۹-۷۲: ۶۵.
- حریری، نجلا (۱۳۹۵)، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، ۱۰: ۱۳۰-۱۲۳.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۶). پارادایم‌های رقیب در علم سازمان و مدیریت: رویکرد تطبیقی به هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی، مجله دانشور رفتار، ۱۰۴: ۲۶-۸۹.
- طاهری، صدرالدین و الهه شمس نجف‌آبادی (۱۳۹۷)، واکاوی رویارویی دیالکتیکی پارادایم در تاریخ هنر غرب (از رنسانس تا آغاز دوران مدرن)، مجله غرب‌شناسی بنیادی، ۲: ۱۱۳-۹۰.
- قهرمانی، محمدامین و بیژن عبداللهی (۱۳۹۲)، بنیان فلسفی و بررسی ارتباط بین هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پارادایم‌های تفسیری، انتقادی و علمی با روش‌شناسی و روش‌های مورداستفاده در این پارادایم‌ها، پژوهش، ۱: ۶۹-۵۱.

- گائینی، ابوالفضل و امیر حسین‌زاده (۱۳۹۱)، پارادایم‌های سه‌گانه اثبات‌گرایی، تفسیری و هرمنوتیک در مطالعات مدیریت و سازمان، راهبرد فرهنگ، ۱۹: ۱۳۸-۱۰۴.
  - گری، کرول و جولی‌ین ملینز (۱۳۹۷)، روش تحقیق در هنر و طراحی، ترجمه طاهر رضازاده، چ ۲، تهران: فرهنگستان هنر.
  - محمدپور، احمد (۱۳۹۸)، روش در روش، چ ۲، قم: لوگوس.
  - محمدزاده میانجی، مهناز، مهنوش شفیعی سرارودی و حسین سرپولکی (۱۳۹۶)، پژوهش کنش‌محور در قلمرو هنر، جنبشی نوین در روش‌شناسی پژوهشی، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، (۳) ۲۲: ۱۸-۲۸.
  - محمدی چابکی، رضا (۱۳۹۲)، مؤلفه‌های پارادایم پیچیدگی، روش‌شناسی علوم انسانی، ۷۶: ۸۹-۶۱.
- 
- Abdelhamid Ahmed (2008), *Ontological, Epistemological and Methodological Assumptions: Qualitative Versus Quantitative*, University of Exeter, UK.
  - Dawn Darlaston, Jones (2007), *Making connections: The relationship between epistemology and research methods*, *Making connections: The relationship between epistemology and research methods*, 19(1), 1-27.
  - Deepwell, Katy (2020), *Art Criticism and the State of Feminist Art Criticism*, Retrieved at: [www.mdpi.com/journal/arts](http://www.mdpi.com/journal/arts) 1-19.
  - Kaushik, Vibha and A. Walsh, Christine (2019), *Pragmatism as a Research Paradigm and Its Implications for Social Work Research*, University of Calgary, Canada.
  - Kivunja, Charles and Bawa Kuyini, Ahmed (2017), *Understanding and Applying Research Paradigms in Educational Contexts*, *International Journal of Higher Education*, 5(6), 26-41.
  - Kumar Mohajan, Haradhan (2018), *Aspects of Mathematical Economics, Social Choice and Game Theory*, Jamal Nazrul Islam Research Centre for Mathematical and Physical Sciences, University of Chittagong, Bangladesh, 32, 1-20.
  - M. Al-Ababneh, Mukhles (2020), *Linking Ontology, Epistemology and Research Methodology*, Petra College for Tourism and Archaeology, Al-Hussein Bin Talal University, Jordan
  - Moon Katie, Christopher Cvitanovic, Deborah A. Blackman, Ivan R. Scales and Nicola K. Browne (2021), *Five Questions to Understand Epistemology and Its Influence on Integrative Marine Research*, *Frontiers in Marine Science* Retrieved at [www.frontiersin.org](http://www.frontiersin.org).
  - Morgan, David (2014), *Pragmatism as a Paradigm for Social Research*, SAGE, 1046- 1052.
  - Pariser David, Sharon Greenleaf la Pieve, Enid Zimmerman (2016), *Research Methods and methodologies for Art Education*, *Article in Studies in Art Education*, 32(1), 1-5.